

قزوین - احبای الهی عموماً و اماء الرحمن، همدان احبای...

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



قزوین

احبای الهی عموماً و اماء الرحمن، همدان احبای الهی و اماء الرحمن، رشت احبای الهی، لاهیجان احبای الهی، کرمان احبای الهی، انزلی احبای الهی، طهران احبای الهی علیهم و علیهنّ بهاء الله الابهی
هو الله

ای احبای الهی، جناب میرزا لیب زائر چون بعتبه مقدّسه وارد و زیارت مطاف ملأ اعلی فائز گردید. سر باستان الهی گذاشت و از برای کلّ طلب تأیید و توفیق نمود. چون قصد مراجعت کرد خواست از برای هر یکی از احبای الهی و اماء رحمان در قزوین و طهران و رشت و همدان و انزلی و کرمان و لاهیجان مکتوب مخصوصی مرقوم گردد. و این نظر بجمّت مخصوصی است که باحباً دارد چنین آرزو نمود. ولکن عبد البهاء غرق دریا باید بعموم شرق و غرب در امور مهمّه مخبره نماید و بتمشیت جمیع کارها در جزئی و کلی پردازد. هر جزئی از عبدالبهاء اگر بهزار جزء منقسم شود از عهده بر نیاید، و انواع عوارض عارض گردد. عبدالبهاء پیش از اینکه نائره جنگ برافروزد بعلل و امراض عدیده مبتلا و سبب کثرت مشاغل بی پایان و اذیت و صدمات از داخل و خارج. ولی چون در ایام جنگ طرق و وسائط مخبره منقطع راحتی حاصل شد. با وجود خوف و خطر شدید عبدالبهاء از مشاغل راحت گردید. لهذا جمیع امراض و علل زائل شد اگر چنین نمیشد تا بحال از شدت امراض بکرات و مرّات



ORIGINAL



AUDIO

صعود نموده بود این یکی از حکمت‌های بالغه این جنگ. و حال اگر دوباره باین مشقات عظیمه و مشاغل بی پایان پردازد در اندک زمانی جمیع آن عوارض عود کند. و البته یاران الهی را عبدالبهاء بهتر از اوراق است. البته توقع مکاتبه فرداً فرداً ندارند بجان و وجدان مستمراً بدون انقطاع با یاران مخبره معنوی مینماید و گفتگوی روحانی میکند. آئینه چون صافی گردد این نجومی که در بعد ابعدن در آئینه حاضر و ظاهر و آشکار گردند یعنی هزاران هزاران فرسنگ بین مرآت و نجم حائل نشود و این بفضل و عنایت جمال قدم است.

باری الحمد لله در شرق و غرب روائج مشک جان منتشر و در جنوب و شمال آهنگ یا بهاء الابهی مرتفع. بهار روحانیست و ربیع رحمانی، صحرا و دشت گلگشت است و براری و کهسار گلشن و گلزار. ابر رحمت گریان و چمن و دمن خندان، درختان بیرگ و شکوفه مزین و خرم و بلبل زار در گلشن راز با جمال گل همدم و همراز و مرغان چمن باهنگ ملاً اعلی در ترانه و آواز. نفحه الهی روح جدید میدمد، صلاهی ربّانی بصر حدید میبخشد، فیض معنوی قوت شدید میدهد، شمس حقیقت در غیاب سحاب کائنات را بحرکت شوقی میپرورد. با وجود این فیوضات عظیمه و آن تجلیات غیبیه و این ابتهاج بمکاتبه عبدالبهاء احتیاج نماند. پس بجان و دل بکوشید که علم خدمت برافزاید و با اهل ملکوت ابهی دمساز شوید من در هر دم بساحت اقدس تضرّع و زاری نمایم و لابه و بیقراری کنم و هریک از شماها را مدد نامتناهی طلبم فیض آسمانی خواهم، عزّت ابدیه جویم، نفحه رحمانیه طلبم قوت ملکوتیه خواهم، تجلیات لاهوتیه جویم. تا توفیق چه کند و تأیید چه نماید. و علیکم البهاء الابهی. حیفا ۱۴ صفر

سنه ۱۳۳۸ ع ۶

